

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

کانون مطالعات سیاسی افغانستان

۰۴ دسمبر ۲۰۱۸

## فروکش خیزشهای اعتراضی و صلح خواهی شمال افغانستان و درسهای حاصله از آن

۲

### ۲ - خیزشهای اعتراضی برای قطع جنگ و اسقرار صلح

جنگ در افغانستان بر اثر تجاوزات و مداخلات اجنبی و ارتجاع داخلی به درازا کشانیده شده و برای اهداف معینی بسیار زیرکانه مهندسی شده و به یک جنگ فرسایشی شکل گرفته است. لذا برای ارزیابی قطع جنگ و اسقرار صلح و عدالت که خواست اساسی خیزشهای اعتراضی را تشکیل می دهند، عوامل داخلی و خارجی قابل توجه اند. پیوستگی و تداوم منطقی این تضاد زمانی قابل فهم است که از یک جانب توده های مردم که در انتظار قطع جنگ و انتظار صلح اند و از جانب دگر استعمار و مزدوران آن که جنگ می خواهند، مورد مطالعه قرار گیرند. ازینرو در ذیل مختصراً به این موضوع پرداخته و مثالی چند آورده می شود.

### ۳ - عوامل داخلی

- **اوضاع و احوال داخلی:** بر اثر جنگ چهاردهه پسین ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه افغانستان از هم پاشیده، جنگ و نا امنی هنوز ادامه داشته و حملات انتحاری، انفجارها و بمبگذاریها، کار یومیه تروریستهاست. همه روزه بین ۲۰ تا ۳۰ نفر از شهروندان این سرزمین قربانی می گردند. در نتیجه افغانستان در شعله های آتش یک بحران فراگیر می سوزد. مشکلات ناشی از این جنگ و نا امنی، تشدید نفاقهای قومی، قبیله ئی، منطقه ئی و امثال آن توسط استعمار و نوکران زرخرید آن و با موجودیت دولت دست نشانده و مزدور و نابکار و آلوده در فساد، بی عدالتی، زورگوئی و قلدری، همچون ساطور خونینی ست که استخوان ملت را می شکنند و در کنار عوامل دیگری چون بیکاری، فقر، بی سرپناهی، جنگ نیابتی ادارات استخبارتی بیگانه، کشت کوکنار و معاملات مواد مخدر، امراض گوناگون و ده ها مصیبت دگر بر جامعه بیداد می کند. عوامل این بحران در بعد داخلی به موجودیت نظامهای سیاسی استبدادی با عقب ماندگی اقتصادی، بی عدالتی اجتماعی، عدم آزادی واقعی، دوری مردم از صحنه های تصمیم گیریهای سیاسی و اتکای غلیظ و بی بند و بار

حکومت‌کننده‌های افغانستان به قدرتهای جهانی و منطقه‌ئی و جنگسالاران نهفته می‌باشد. از جانب دگر مردم از نا امنی و جنگ به جان رسیده و طرفدار یک صلح عادلانه می‌باشند. این اوضاع و احوال کاسه صبر مردم را لبریز کرده و اعتراضات گسترده‌ای را برای قطع جنگ و اسقرار صلح و عدالت اجتماعی به راه انداخته‌اند.

● **اشتراک گلبدین در قدرت:** حزب اسلامی گلبدین یکی از جنایتبارترین احزاب اسلامی شمرده می‌شود که خون دهها هزار انسان را به گردن دارد و دشمن صلح می‌باشد. این حزب در ویرانی شهر کابل نقش عمده داشته و سالهای متمادی در آغوش سازمانهای استخبارات نظامی پاکستان یعنی آی اس آی و ایران و امریکا قرار داشت. این حزب به فرمان جنرالان پاکستانی در افغانستان جنایات هولناک انسانی و اقتصادی را مرتکب شد. حزب اسلامی که فرزند عزیز سازمان جاسوسی امریکا و انگلیس نیز است، سالهای زیادی از این کشورها کمکهای بی‌شایبه و عظیمی دریافت نمود که در نتیجه آن گلبدین به فرعون زمان مبدل ساخته شد. اما برای فریب اذهان ملتها، گویا امریکا بالای سر گلبدین چندین میلیون دالر جایزه گذاشت و گویا نمی‌توانست او را بیابد. گلبدین سالهای زیادی را در نوکری پاکستان و ایران درین کشورها خزیده بود تا این که در سال ۲۰۱۶ همان امریکائی



که برای گرفتاری اش جایزه گذاشته بود بار دگر زمینه اشتراک او را در دولت غنی و عبدالله میسر گردانیده و ۶۰ میلیون دالر در اختیار او قرار داد. سر انجام گلبدین به معیت جنرالان پاکستانی و امریکائی در جولای ۲۰۱۷ وارد کابل شد و در کنار غنی و عبدالله و کرزی قرار گرفت. سیاست امریکا

مبنی بر این که "ما دوست و دشمن دائمی نداشته، بلکه منافع دائمی داریم" بار دگر مصداق یافت. وظیفه گلبدین قتل و کشتار روشنفکران و دگراندیشان بوده و تقلائی وی در قومگرایی و دید فاشیستی روشنتر از آفتاب است. گلبدین برای جلوگیری از خیزشهای اعتراضی مردم و در تبانی با استعمار شمشیر دو سره ارتجاع نیز می‌باشد که به هر نمودی از صلح و دیموکراسی دشمنی آشتی ناپذیر دارد. رهبر حزب اسلامی افغانستان برای خشنودی امریکا، اسرائیل و آل سعود به نفاق دامن زده و علیه شیعیان افغانستان و جمهوری اسلامی ایران موضع گیری می‌کند (حقیقت آنست که گلبدین در سالیان گذشته، سالانه ۲۵ میلیون دالر و طالبان سالانه ۴۰ میلیون دالر سخاوتمندانه از سپاه پاسداران ایران برای مصارف شان دریافت می‌کردند. منبع صحبت‌های ویدئویی و نشرات کتبی اعضای فراری ارشد سپاه و جمهوری اسلامی در خارج از ایران).

● **حضور داعش:** پروژه داعش در شرق میانه و کشورهای عربی غرض ناامنی، تشنج، بحران و انارشیزم مزمن خلق شد تا پروسه ثبات و امنیت شرق میانه و آسیا را که به نفع تعادل قطبهای جدید منطقه‌ئی و جهانی یعنی

چین، روسیه، هند و متحدان آن بود، به نفع پروژه های ستراتیژیک امریکا و انگلیس و اسرائیل به هم زدند. اسناد و مدارک بیشماری گواهی می دهند که ایالات متحده امریکا پس از شکست داعش در سوریه و عراق، تعداد زیادی از اعضای این گروه تروریستی را به افغانستان انتقال داد. حتی حامدکرزی، این برده گوش به فرمان امریکا، در مصاحبه های تلویزیونی از انتقال داعش به وسیله هلیکوپترهای قوای خارجی به شمال افغانستان پرده برداشت. انتشار، ترانزیت و وزیرستان سازی شمال افغانستان، نقشه شومی است که امریکا و شرکاء، به خاطر تمدید دوره اشغال کشور و تهدید آسیای میانه، روسیه، چین و ایران روی دست گرفته اند. در خریطه نظامی اشغالگران و داعش، جنگ فعلی از شمال کشور به سوی آسیای میانه ترسیم گشته که این پلان شوم توسط مزدوران پیاده نظام آن از مردم افغانستان قربانی می گیرد. داعش مکلفیت دارد تا برای تشکیل یک دولت سلفی و ضد بشری در افغانستان فعالیت نماید. بنابراین دولت مزدور و دست نشانده هم از ترس بیداری و وحدت ملت و برای بقای خود و عملی ساختن پلان بادارانش به اسم مستعار گروه تروریستی داعش در سرکوب هر نوع خیزشهای آزادی طلبی و ترقی خواهی، دیموکراسی و عدالت اجتماعی از هیچ نوع جنایت خودداری نکرده و نخواهد کرد. چنانچه قتل عام و نسل کشی جنبش روشنائی و انفجار تانکر مواد منفجره در چهار راهی زنبق و انفجار امبولانس دولتی در آمدن دوستم و ده ها و صدها رویداد دگر گواه بر این حقیقت است.

- **طالبان:** گروه تروریستی و عجیب الخلق طالبان که خود فرزندان ناخلف سازمانهای استخباراتی اند و به چند پارچه تقسیم شده اند، حالا یکی از شاخه های آن رخ نمایان می کند که گویا در حال مذاکره با امریکائیان اند و چون گلبدین سر در خط تسلیم آنها دارند. حقیقت آنست که امریکا و ناتو هرگز در پی سرکوب طالبان نبودند و نیستند. پس از یورش قوای ناتو به افغانستان امارت طالبان عملاً سقوط کرد؛ اما امریکا و انگلیس بقایای طالبان را حمایت و تجهیز کردند و عملاً این مزدوران پیاده نظام اجنبی را به کمک مستقیم سران دولت مزدور و دست نشانده و شخص حامد کرزی رئیس جمهور در افغانستان توسعه دادند. حامد کرزی این نوکر پر و پا قرص استعمار، طالبان را همیشه برادران ناراضی خوانده و در مقابل آنها تضرع می کرد و صدها طالب را از زندانها همراه با پول و البسه آزاد نمود. امریکا با هزاران رشته با طالبان در تماس بوده و سرانجام در جولای ۲۰۱۸ اعلان کرد که امریکا با طالبان به صورت مستقیم مذاکره می کند. دولت مزدور و دست نشانده غنی - عبدالله که خود برای این پروژه مهندسی شده است، از این مسأله استقبال کرده و بارها از طالبان صلح گدائی می نمود. از دیدگاه امریکا اشتراک طالبان در دولت غنی و عبدالله به یک امر اجتناب نا پذیر تبدیل شده. با اشتراک طالبان در دولت، مثلث شوم استعمار، ارتجاع و قومگرایی به شیوه خشن آن تکمیل شده، زمینه های حیات اجتماعی مانند آزادی، دیموکراسی، کثرت گرایی، ترقی و پیشرفت اقتصادی مسدود می گردند. طالبان تقلا خواهند کرد که با جاری ساختن شریعت جلو هر نوع اعتراض مدنی و خیزشهای مردمی را گرفته، مملکت را به یک زندان تمام عیار ارتجاع و عقبگرایی مبدل نمایند و تا می توانند برای اهداف متجاوزان سرباز گیری کنند. پیش شرط طالبان در اشتراک قدرت، تغییر قانون اساسی و از بین بردن همه مظاهر دیموکراسی و آزادی می باشد. با این خصوصیات طالبان می خواهند که افغانستان را به قرون وسطی برگردانند و زمینه یک صلح عادلانه را از بنیاد براندازند.

• **ائتلاف بزرگ ملی افغانستان:** در ۲۷ جولای ۲۰۱۸ "ائتلاف بزرگ ملی افغانستان" با اشتراک مخالفان و منتقدان دولت به اصطلاح وحدت ملی به میدان آمد. بنیانگذاران این ائتلاف عبارتند از: جمعیت اسلامی افغانستان، حزب وحدت اسلامی افغانستان، جنبش ملی اسلامی، جبهه ملی نوین افغانستان، محور ملی مردم افغانستان، صدای لوی قندهار، صدای لویه پکتیا، صدای لوی ننگرها و اتحادیه های تباری مختلف دیگر. این ائتلاف در واقعیت امر یک ائتلاف تقسیم و ترکه قدرت سیاسی و حاکمیت دولتی در افغانستان است که هدف اصلی و اساسی آن را ایجاد یک پروژه انتخاباتی بزرگ و متحد علیه تیم تمامیت خواه اشرف غنی به عنوان سکندار کنونی دولت تشکیل می دهد. رگه های تجزیه قومی و قبیله ئی واضحاً در بدنه این ائتلاف بی هیچ پرده پوشی قابل دید می باشد. این ائتلاف می خواهد با استفاده ابزاری از اقوام و قبایل مختلف افغانستان به نفع خویش برای کسب امتیازات در نظام سهمی قدرت فعالیت نماید. این ائتلاف که بدون شک تداوم نخواهد یافت، علیه تمایلات انحصار گرانه موجود در ارگ قابل تأمل می باشد. تأکید این ائتلاف روی مشارکت احزاب در انتخابات پارلمانی و عبور از یک پارلمان غیر حزبی به یک پارلمان حزبی از نکات قابل دقت در مطالبات ایشان می باشد. البته پیشنهادات تغییر در نظام انتخاباتی با قابلیت انتقال رأی، خود داری دولت از مداخله در امور انتخاباتی، جلوگیری از پدید آمدن شگافهای قومی، پیشکش نمودن یک کاندید واحد برای انتخابات ریاست جمهوری از اساسی ترین مسایل قابل توجه در برنامه های این ائتلاف اند. موضوع مصالحه با طالبان به صورت کل از جانب تمام اعضای ائتلاف به گونه یکسان تأیید شده، ولی از پرداختن به جزئیات این مصالحه که چگونه و با کدام میکانیزم عملی گردد، حاشیه روی های ملموسی به چشم می خورد. اشتراک کنندگان این ائتلاف بیشترین نقش آفرینی های خود را نه در برنامه های مدون سیاسی و افغانستان شمول، بلکه بیشتر با کارتهای قومی و قبیله ئی بازی می نمایند. این مشکل به خودی خود یکی از نکات بحث برانگیز این ائتلاف می باشد که پیشکش نمودن یک کاندید مشخص با در نظر داشت صلاحیتهای علمی و ملی افراد را زیر سؤال می برد و تفاوت دیدگاه ها درین ترکیب نامتجانس حکم می کند که ممکن است این ائتلاف در کمترین مدت به سوی تجزیه برود. جالب توجه است که اعضای این ائتلاف حکومت غنی و عبدالله را محکوم به تقلب کرده، وضعیت بد اقتصادی، عوام فریبی، آشفتگی اوضاع، کشته شدن شهروندان، فقر و تنگدستی مردم، بحران و غیره را به آنها حواله نموده، سخن از صلح، امنیت و رفاه می زنند، در حالی که خود آنها برای مدت چهارده سال در زمان زمامداری کرزی اعضای یک چنین حکومتی بوده اند و در به وجود آوردن این همه بدبختی ها و مصیبتهای جاری افغانستان مستقیماً سهم داشتند. عده ای از اعضای این ائتلاف را برادران مسعود، تورن اسماعیل، عطا محمد نور، جنگسالاران، احدی، اسپنتا، نبیل و چند معامله گر دیگر با اجانب تشکیل می دهند که انتظار صلح از آنها بسیار بعید به نظر می رسد.

ادامه دارد